

بازخوانی انتقادی  
سیاست‌گذاری‌های آموزشی در ایران معاصر

---

بید جواد میری | مهرانوش خرمی‌نژاد



نقد فرهنگ

۱۳۹۸

- سرشناسه: میری، سیدجواد، ۱۳۵۰
- عنوان و نام پدیدآور: بازخوانی انتقادی سیاست‌گذاری‌های آموزشی در ایران معاصر/ تالیف سیدجواد میری، مهرنوش خرمی‌نژاد.
- مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵، س.م.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۱۰-۷
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
- موضوع: تفکر انتقادی- راهنمای آموزشی؛ اندیشه و تفکر؛ تفکر انتقادی- ایران- راهنمای آموزشی؛ روان‌شناسی آموزشی؛ روان‌شناسی آموزشی- ایران
- دسته افزوده: خرمی‌نژاد، مهرنوش، ۱۳۴۷
- رده‌بندی کنگره: LB۱۵۹۰/۳
- رده‌بندی دیویی: ۳۷۰، ۶۲
- شماره کتابشناس ملی: ۵۷۵۲۵۹۹



نقد فرهنگ

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳  
تلفن: ۷۶۲۷۱۷۴۸ | مراکز پخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

• نام کتاب: بازخوانی انتقادی سیاست‌گذاری‌های آموزشی در ایران معاصر

• نویسنده: سید جواد میری، مهرنوش خرمی‌نژاد

• نوبت چاپ: چاپ اول

• سال انتشار: ۱۳۹۸

• تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

• قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

## فهرست

|    |                                                                         |
|----|-------------------------------------------------------------------------|
| ۷  | پیشگفتار                                                                |
| ۱۱ | بخش ۱: سیر جریانات فکری در ایران                                        |
| ۱۳ | مقدمه                                                                   |
| ۱۴ | وضعیت تفکر و اندیشه در ایران                                            |
| ۱۶ | تفاوت بین نقد و انتقاد                                                  |
| ۱۸ | تعریف مفهوم تفکر نقادانه                                                |
| ۲۶ | تمایز بین مفاهیم کودک و کودکی                                           |
| ۳۱ | بخش ۲: بنیان‌های فکری آموزش تفکر نقادانه                                |
| ۳۳ | مقدمه                                                                   |
| ۳۵ | مفهوم نظری دیالکتیک ذهن و دل                                            |
| ۴۰ | نظریه لیپمن و خرد ایرانی در مواجهه با تعلیم و تربیت                     |
| ۴۶ | نظریه پیازده و ضرورت ارتباط عالم واقع و عالم ذهن                        |
| ۵۳ | عقل و تفکر نقادانه در نگاه جان لاک                                      |
| ۶۰ | کنش ارتباطی در نگاه یورگن هابرماس و نسبت آن با آموزش تفکر نقادانه       |
| ۶۵ | رسانه ابزار تحقیق و یکسان‌سازی و بروز پدیده فکر سریع از نگاه پیر یوردیو |

|    |                                                                  |
|----|------------------------------------------------------------------|
| ۶۷ | رویکرد پائولو فریره به آموزش و پرورش بانکی و فرهنگ سکوت در مدارس |
| ۶۸ | محورهای اصلی نظریه فریره                                         |
| ۶۹ | ریشه‌های ستم‌پذیری                                               |
| ۷۱ | بنیاد آزادی یا فرایند انسان شدن                                  |
| ۷۳ | دیدگاه ایوان ایلچ به مدرسه                                       |
| ۷۴ | مدرس به مثابه اوقات فراغت                                        |
| ۷۷ | بخش ۳: راهبردهای آموزشی در ایران                                 |
| ۷۹ | تدوین                                                            |
| ۷۹ | سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش                                   |
| ۸۳ | نقش معلمان در آموزش تفکر نقادانه                                 |
| ۸۸ | تفکر نقادانه و نسبت آن با توسعه و بازسازی جامعه ایران            |
| ۹۵ | خاتمه                                                            |
| ۹۹ | فهرست منابع و مآخذ                                               |

## بیشگفتار

یکی از مشکلاتی که در جامعه ایران وجود دارد، آن است که هر ایرانی به صورت فردی ذهن خلاق دارد و دارای نبوغ، خلاقیت، هنرمندی و... می باشد ولی زمانی که در نسبت با دیگری قرار می گیرد، تخریبی عمل می کند. این کنش رفتاری در ساحت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، دانشگاهی به صورت گسترده تر در جامعه مشهود است. در واقع یکی از مغالطات رایج مغالاه حمله به شخص است در این نوع مغالطه ما به جای نقد گفته ها استدلال های فرد، خود شخص را نقد می کنیم و برای مخالفت با نظریه یا اصولی از خصوصیات فردی او حمله می کنیم. یا از منظر دیگر، زمانی که گفت و انداختن های فرد را نقد می کنیم این رفتار اجتماعی، نوعی تخریب محسوب می شود.

حال این سؤال مطرح می شود که آیا این تصحیح این الگوهای ذهنی، رفتاری و کنشی، باید سرمایه گذاری از سطح دانشگاهی آغاز کنیم و یا اینکه این نوع الگوها و آگاهی بخشی ها با صورت های دیگری در دوران مهد کودک، پیش دبستان یا دبستان انجام شود؟

بنابراین ضروری است که فهم ما از جایگاه نظام آموزش و پرورش به صورت بنیادی و از منظر ارزش گذاری اجتماعی تغییر کند، زیرا بعد نظام اجتماعی پاداش و مجازات نهاد آموزش عالی بالاتر از نهاد آموزش و پرورش در جامعه ایران است و این دو نهاد از منظر امتیازدهی نسبت به برادران نفت،

و یا دیگر وزارتخانه‌ها در رده پایین تر قرار می‌گیرند، همچنین این دو نهاد از کم درآمدترین‌ها محسوب می‌شوند.

این مستندات نشان می‌دهد که در پس ذهن ما تعلیم و تربیت از مقولات بنیادی نیست. البته در فرهنگ ما، نقش و مقام معلم بسیار عالی توصیف شده است و با نقش انبیاء یکسان تلقی می‌گردد. اما با ترجمه این مفاهیم فرهنگی به زبان جامعه‌شناسی این طور تصور می‌شود که چون پیامبران پولی دریافت نمی‌کردند پس معلمان هم پولی نگیرند و از هیچ رفاه اجتماعی برخوردار نباشند. لذا آنان از ضعیف‌ترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند.

این دیالکتیک از منظر تفکر نقاد، بسیاری از مسائل را در مورد وضعیت جامعه ما نسبت به تعلیم و تربیت، شفاف می‌کند. نسبت تعلیم و تربیت در جامعه ایران در سطح مدارس دانشگاه‌ها با تفکر نقاد را نباید به تدریس یک کتاب در مدارس یا چند واحد درسی دانشگاه‌ها با این موضوع، تقلیل دهیم.

در واقع تفکر نقاد مبسی برپرسشگری و تعامل، نسبت با دیگری یعنی جامعه، قدرت، انسان، طبیعت دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. یعنی ما دیگری را چگونه بازخوانی کنیم و به هم پیوند بزنیم؟ یعنی ضروری است که ما نظام آموزش و پرورش خود را در نسبت با تفکر نقاد بازنگری کنیم.

سؤال مهم دیگری که باید بررسی شود آن است که نقد و انتقاد چه تفاوتی با هم دارند؟ چرا در ایران وقتی نقد می‌کنیم، افراد در مقام سیاستمدار و استاد دانشگاه و... برآشفته می‌شوند؟ چرا بین نقد و انتقاد بازی قائل نمی‌شویم و هر دو را به یک معنا می‌دانیم؟ آیا علت این شبهه منکر و رفتار اجتماعی به دلیل نبود تفکر نقاد است یا اینکه سقف نقد کجاست؟

با بررسی ادبیات ایران متوجه می‌شویم، برای کسی که پرسش و نقد می‌کند، واژه خصم به کار می‌رود، خصم یعنی دشمن و بداندیش. چرا پرسشگر را دشمن تلقی می‌کنیم، در حالی که باید به پرسشگری ارج نهاده شود.

در قرآن گفت‌وگویی بین ابراهیم نبی و خداوند روایت شده است که

ابراهیم از خدا پرسشی می‌کند و آن این است که معاد چگونه امکان‌پذیر است؟ خدا از او می‌پرسد مگر تو معاد را باور نداری؟ در پاسخ به خدا می‌گوید من معاد را باور دارم اما می‌خواهم قلبم مطمئن شود و به صورت شهودی این باور را درک کنم.

در این گفت‌وگو نکته‌ای به تمام انسان‌ها به‌ویژه کسانی که خود را متولیان دین می‌دانند، گفته می‌شود؛ دینی باید بنیان‌گذارده شود که در آن پرسشگری سنگ بنا باشد و به علت ترس از عقوبت پرسش فراموش نشود و اگر ترس از عقیبت هم هست باید در کنش و رفتار باشد. این مانیفست قرآن یا مانیفست ابراهیمی، مورد تفکر و اندیشه است.

بنابراین ضرورت است که ادبیات، تاریخ، فرهنگ، اسطوره‌ها، اندیشه و خرد ایرانی را بررسی کنیم. ببینیم چه موانعی بر سر راه تفکر ایرانی وجود داشته است. امام موسی صدر، آفتاب‌ادیان در خدمت انسان می‌گوید ادیان یک ریشه واحد دارند زیرا موضوع واحد آن‌ها انسان، هستی و خداست. اما علت این تکثر ادیان و ضدیت آن چیست؟ او تأکید می‌کند که دین برای التیام دردهای انسان‌ها بنیان‌گذارده شده است. اما رلیان دین به جای آنکه به آن موضوع واحد و پرسشگری از هستی بپردازند به مناسبات پرداخته‌اند.

اما آنچه قابل تأمل است این است که چه موانعی در پیش وجود داشته است که ما از منظر پرسشگری در حالت رکود و انجماد قرار گرفته، حتی پرسشگر را گاه به منزله خصم معرفی می‌کنیم.